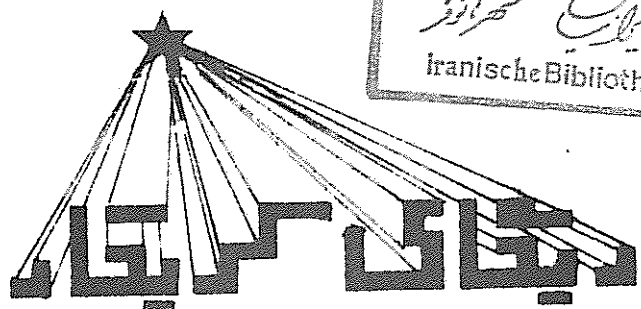




کتابخانه ایرانی هانوفر
Iranische Bibliothek in Hannover
1966



سال چهارم آبان ۶۶ ★ ارگان کمیته کردستان سازمان کارگران انقلاب ایران (راه کارگر) ★ قیمت ۵۰ ریال شماره ۴۹

انقلاب اکتبر
طلایه دارد دفاع از حقوق خلقها

حزب کمونیست کوه‌ها و انقلاب اکثریت
بر خوردی حقیر
با انقلابی کبیر
صفحه ۱۰

استدلال جنگ پارتیزانی، یک ضرورت هیوم
مقدمه : مقاله حاضر شامل سه بخش میباشد : بخش نخست آن به بررسی اجمالی از وضعیت عمومی تعرض رژیم به جنبش صلحانگیز کردستان ، پروسه تا کنونی این مسئله و جمع بندی و دوره بندی آن پرداخته است . بخش دوم : ضمن توضیح مختصات جنگ پارتیزانی بعنوان یک مرحله از جنگ تودهای ضرورت آراء اثبات مینماید . و بخش سوم : شامل جمع بندی مجموعه نکات و نته در صفحه ۱

میلیتاریزاسیون کردستان و مبارزات خلق کرد
رژیم حناستکار جمهوری اسلامی کردستان را به صورت یک سرزمین ملیتاریست در آورده است . ملیتاریزه کرد - ک دستان هدفهای جداگانه ای را تعقیب
صفحه ۱۲

نکته و نظر
مجاهدین در فرار ضد امپریالیستی؟؟!!
صفحه ۲۸
اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشها
صفحه ۲۱

آزادی ، استقلال ، حکومت شورائی

گسترش جنگ پارلیزانی، يك ضرورت مهم

بسیاری را در برابر گسترش تعرضات به فردستان ایجاد می‌نماید، در طول زمان و متناسب با پیشرویهای که در سایر مناطق موجب می‌شود و امثالاً نیز که این پیشروها برایتر فراهم کرد، تصرف خود به فردستان را بیسر وسعت و دامنه پیگیری محسوس.

در هم گسترش مذهب انقلابی و جبر تودهای مطلوب به فسدرت سیاسی، اصلی تر هدف رژیم در تحولات خود به فردستان بود و چون بازوی مسلح تودهای نشر اصلی را در دایره این موقعیت ایفا نموده، در هم شکستن مبارزه مستحاکمه و نیروی پیشرکه، برجسته سرس جابگاه را در مجموعه برنامه‌ها و اقدامات رژیم، بخود اختصاص داده است. پیشروها، سیاسی و نظامی رژیم ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارد، اما تناسب مستقیمی بین این دو وجود نداشته و رژیم هرگز نتوانسته است بهمان اندازه که در عرصه نظامی پیشروی کرده، در عرصه

... محورهای رهشودنی بسیاری هدایت و سازماندهی هرچه موثرترین مرحله از جنگ انقلابی در فردستان میباشد. بخش اول: حمله مادی فشرده پروسه جنگ انقلابی در فردستان

فردستان هم‌زمان با یکسری از حساسترین کانونهای انقلاب ایران بشمار رفته و هم اکنون به سرچشمه ساری در فعل و انفعالات سیاسی جامعه‌ها ایفا میکند. فردستان، چنین نقش را از ابتدای معادرت رسیدن حاکمیت فقها بر عهده داشته و حضور بازوی مسلح انقلاب در این منطقه موجب گردید که رژیم جمهوری اسلامی با سرعتی که در سایر مناطق ایران به باز پس گرفتن دستاوردهای انقلاب ۵۷ پرداخت، در اینجا نتواند موفقیت بدست آورد. رژیم فقها از ابتدای بقدرت رسیدن به تعریف خود به خلق قهرمان کرد را آغاز کرد و اگر در ابتدا، وجود اعضا متعدد در سایر مناطق، محدودیتهمسان

سیاسی به موفقیت دست پیدا نماید و همین امر موجب تقویت و تداوم مبارزه مسلحانه شده است. هر گام از پیشرویهای نظامی رژیم، امکاناتی را برای تعرض سیاسی به توده‌ها در اختیار وی قرار داده است ولی عمق انزجار عمومی از رژیم و بالا بودن روحیه انقلابی توده‌ها باعث گردید که دشمن نتواند بیشترین بهره برداری را از این امکانات در خدمت تشبیت سیاسی خود بنماید. تسوی و تانک رژیم توانائی پس راندن نیروی پیشمرگه از این یا آن موضع را داشته اما از قدرت به تکمیل در آورد توده‌ها برخوردار نبوده است.

رژیم فقها برای استقرار سپس تثبیت خود در کردستان، قبل از همه به درهم تکستن نیروی پیشمرگه نیاز داشته و به همین دلیل نیروی اصلی خود را در خدمت ایر مسئله قرار داده تا سپس با خیال آسوده ای سرکوب جنبش توده‌ای در ابعاد گوناگونش را به پیش برد. مقابله با بازوی مسلح جنبش از مراحل مختلفی عبور کرده که تعرض به شهرها و اشغالشان توسط نیروهای سرکوب گر رژیم ابتدائی‌ترین حلقه

آن بشمار می‌رود. پس از شهرها و با مدتی تاخیر، که ناشی بود از معضلات عمومی ای که رژیم در سراسر ایسران با آن روبرو بوده، تعرض به مناطق روستائی به هدف اشغال مناطق آزاد آغاز گردید.

رژیم در تعرض خود به مناطق آزاد با موفقیت روبرو شده و طی مدت پیش از دو سال، مناطق آزاد را از دست پیشمرگان بیرون آورد و تا اواخر سال ۶۲ و اوایل سال ۶۳ اکثر مناطق را اشغال کرد.

اشغال مناطق آزاد، محدود به پهنای بسیاری را در برابر پیشمرگان قرار داد، اما مبارزه مسلحانه در انواع دیگر ادامه یافت، چرا که با تخییراتی در تاکتیک نظامی، تداوم و حتی گسترش آن امکان پذیر بود. البته تطبیق نیروی پیشمرگه با شرایط جدید تا حدود زیادی خود بخودی و در نتیجه با تاخیر پیش رفت. این امر یعنی تاخیر در تطبیق با شرایط جدید، یکی از مشکلاتی است که جنبش مسلحانه کردستان همواره با آن روبرو بوده و در بسیاری از موارد تا زمانیکه شرایط جدید، خود را به پیشمرگان

از این جمله بشمار میرود .
 در آنزمان جنبش مسلحانه در
 شرایط جدیدی قرار گرفته بود
 که تخییر در تاکتیک نظامی
 به امری ضروری تبدیل شده بود .
 اما از سوی دیگر ، هم انطباق خود
 با ارزیابی هائی هم چون ارزیابی
 کومهله ، که محاصره و سرکوب را
 سیاست اصلی رژیم تشخیص داد
 بود و پراکندگی بیش از حدی را
 تجویز میکرد و هم تقلیل دادن
 وظایف نظامی نیروی پیشمرگه تا حد
 " مین و گمین " بعنوان شکل
 مطلق عملیات نظامی نادرست
 بود . در آنزمان ، شرایط جنبش
 این امکان را باقی گذاشته بود که
 با توسل به جنگ سنگری (تحرکی)
 در سطح بالاتر به وظایف نظامی
 خود عمل کرده و بدین ترتیب حد اکثر
 استفاده از شرایط جنبش انجام گیرد
 و پایه پای آن ، اشکال پارتیزانی
 مبارزه گسترش یابد (لازم به تذکر
 است که تاکتیک جنگ سنگری و تاکتیک
 جنگ پارتیزانی هر دو از تکنیکهای
 پارتیزانی بهره میگیرند اما تفاوتشان
 در جای دیگر و در درجه اول در حد
 تمرکز نیروی آن است) .

تحمل نماید ، تطبیق با شرایط
 جدید سبب موفقیت و به سرعت
 پیشرفته و در نتیجه ضایعات
 و تلفات اجتناب پذیری را با خود
 به همراه دارد . البته تاخیر در
 تطبیق با شرایط جدید همواره خود
 را در دو شکل ناملا متفاوت و گاهها
 همزمان نشان داده است : یک
 شکل آن توسل به تکنیک و تاکتیکهای
 قدیمی است . مثلاً بدینسان
 از دست رفتن مناطق آزاد ، تا
 مدتی برخی از نیروها تحت
 اشکال قبلی بکار خود ادامه داده
 و تلفات زیادی را نیز در غمیسن
 رابطه متحمل شدند . شکل دیگر
 بروز این مسئله در اثر پربهادادن
 به وضعیت دشمن و وخیمتر ارزیابی
 کردن اوضاع خود نمائی میکند که
 مثلاً خود را در نمونه برخورد کومهله
 با تخییر و تحولات نشان داد
 و کومهله با این ارزیابی که از اینتن
 پس سیاست رژیم محاصره و سرکوب
 است ، پراکندگی بیش از حدی را
 برای نیروی پیشمرگه تجویز مینمود ،
 ارائه شعار " مین و گمین " بعنوان
 شکل مطلق عملیات نظامی کسه از
 سوی حزب دمکرات مطرح شدند نیز

را به همراه داشت. برخی از مناطق پراکنده هنوز بصورت منطقه آزاد وجود داشته و میزان قابصل وجهی از مناطق، بشکل بینابینی باقی مانده بود و نیروی پیشمرکه در نوار مرزی به مناطق پایگاهی دست یافته بود که خنثی کردن آن مستلزم تمرکز نیروی زیاد رژیم در نوار مرزی بود. ثانیاً در چنین شرایطی رژیم میبایست نیروی خود را در مناطق اشغالی مستقر سازد و چنین امری در گروتاسیر استحکامات، ایجاد راههای تدارکاتی و ارتباطی، پیشبرد وظایف سیاسی نظیر ایجاد شوراهای اسلامی و غیره در منطقه، اعصال نظارت بر رفت و آمد و حرکات روز-مره اهالی و مسائلی از این دست بود. مجموعه مسائل فوق موجب شده بود که وظایفی در پیش روی نیروی دشمن قرار داشته باشد که در صورت انجام آنها، نیروی نظامی رژیم جمهوری اسلامی میتواند مرحله بعدی استراتژیک خود را به مرحله پایانی برساند. طی ۱۰۵/۱ سال

رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از موقعیتی که بدست آورده بود توانست پیشروی خود در عرصه نظامی را گسترش بخشد. اگر چه اکثر مناطق آزاد تا سیمه اول سال ۶۳ به اشغال در آمد ولی هنوز وظایف دیگری باقی مانده بود تا مرحله تعرض استراتژیک دشمن به نقطه پایانی خود برسد. اولاً رژیم در چارکعبود نیروی انسانی بود و این نقطه ضعف باعث میشد که نتواند حد اکثر نیروی لازم را در کردستان متمرکز نماید. جنگ با عراق همیشه مسئله مقدم رژیم اسلامی بشمار رفته و این رژیم اسباب نیروی خود را همواره در خدمت آن قرار داده است. در چنین شرایطی کردستان نیروی نظامی زیادی میطلبید، بچرا که در اینجا مردم بشدت از مزد و ران رژیم متنفر بوده و به هیچ گونه تکلیف نسبت بدانان تن ندادند. مناطق آزاد اشغالی مساحت زیادی داشته و دارای موقعیت جغرافیائی بودند که مسلط شدن بدانها مشکلات زیادی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!

اشغال این نقاط و متمرکز نمودن نیروی خود در آنها، اکثر مناطق و روستاهای بینابینی را نیز تحت کنترل خود در آورده و برای پیشمرگان به شکل گذشته غیر قابل استفاده شان کنند.

طی این مدت دو سالی که رژیم دست اندرکار استقرار نیروهایش در کردستان بود با ایجاد گروههای ضربت کوشید که مناطق مختلف را برای پیشمرگان ناامن کرده و مانع از حضورشان در آنها گردد. این گروهها گرچه در موارد متعدد و بخصوص از اعماق مناطق به محاصره و سرکوب نیروی پیشمرگه می پرداختند ولی وظیفه اصلی این نیروها ناامن کردن مناطق برای پیشمرگان در خدمت پیشرفت برنامه استقرار نیروهای رژیم جمهوری اسلامی بود. این درست است که رژیم اکثر مناطق را اشغال نموده و این امکان برایش فراهم شد که بخصوص در مناطق عمقی تر، استقرار نیروهایش را تا حد مطلوبی به انجام رسانیده و سیاست محاصره و سرکوب نیروی پیشمرگه را در پیش گیرد، ولی بنا توجه به توانمندی که در برابر رژیم

بعدی یعنی از اوایل سال ۶۲ تا اواخر سال ۶۴ مجموعه این وظایف انجام گرفت. اما به چه ترتیب: رژیم طی این مدت سعی کرد که حضور خود را در عرصه های گوناگون به اهالی منطقه تحمیل نماید و کنترلش بر شئون مختلف زندگی مردم را گسترش دهد. گرچه موفقیت رژیم در این عرصه به مراتب کمتر از سایر عرصه ها بود ولی بالاخره توانست تا حدودی این وظیفه را به پیشبرد.

با به اشغال درآمدن مناطق مزدوران رژیم دست به احداث راهها و تأسیس استحکامات لازم زدند و بند ریج توانستند پایگاههای مستحکم متعددی در مناطق مختلف کردستان دایر کرده و راههای مورد نیاز خود را برای تأمین تدارکات و ارتباطات را بوجود آورند.

تکمیل اشغال خاک کردستان به اشغال باقیمانده مناطق آزاد نیازمند بود. در طی این مدت، مزدوران رژیم در پی چندین طرح و تعرض مختلف توانستند معدود مناطق باقیمانده را از دست پیشمرگان بیرون آورده و با تکیه بر

فرار داشت، مزدوران رژیم بایستند وظایف تعرض استراتژیک خسود را بطور کامل به پایان میرسانند و در صورتی که به استقرار کامل نیروها در کردستان دست می یابند، سیاست محاصره و سرکوب را در راس برنامه هایشان قرار میدادند. به همین دلیل، بخش زیادی از انرژی رژیم صرف تکمیل برنامه استقرارش شد و وظیفه استقرار نیروها در مناطق عمقی تردد را ابتدای این مرحله به انجام رسید و هر وقت که در این مناطق اسکان محاصره و سرکوب پیوسته فراهم می شد، مزدوران رژیم بلافاصله دست بکار میشدند.

رژیم برای هر طرف نمودن یکی از اصلی ترین نقاط ضعف خود، یعنی کمبود نیرو به اتخاذ سیاستهای مختلفی متوسل گردید. علاوه بر شیوه های عمومی ای که رژیم در سراسر ایران برای تامین نیروی جنگیش بکار میگیرد، در کردستان اشکال دیگری نیز مورد استفاده اش قرار گرفت. تعرض بی دریغی به اهالی منطقه برای تسلیح اجباریشان تحت عناوین و اشکال مختلف و بکار گیری روشها و حیل های مختلفی

براد سرپاز گیری نظیر سرپاز معلوم یا تسلیح در روستای محل سکونت بجای رفتن به خدمت سرپازی از جمله اشکالی است که در اینجا بکار گرفته شده. اما یکی از مهمترین عواملی که در راستای تأمین نیرو و به رژیم یاری رساند يك كاسه شدن نیرویش در جنگ پس از عراق و یا پیشمرگه بود. با رسیدن نیروها رژیم به مناطق مرزی و درست در زمانی که تعرضات رژیم به خاک عراق در جنوب ایران به بن بست رسید، برنامه های جنگی رژیم در رابطه با عراق به منقطع گردید. کردستان نیز گسترش یافت. تمرکز نیرو در کردستان برای تعرض به خاک عراق این امکان را در اختیار رژیم قرار داد که از همین نیرو برای هر طرف نمودن کمبود نیرویش در رابطه جنگ پس از پیشمرگان بهره گیرند و نیاز مبرمشان به تمرکز نیرو در خط مقدم را تسلیح آسان شده و در برابر پیشمرگان را بر طرف سازند.

اما مسئله مهم دیگری که در پیشرفت برنامه استقرار رژیم به یاریش شتافت، وقوع جنگ بین حزب دمکرات و کومله بود. وقوع جنگ سراسری بین حزب دمکرات، در اواخر سال ۱۱، مناسب ترین

استراتژیک خود به نیروی پیشمرگه‌ها را پایان دهد و با پایان یافتن این مرحله و در شرایطی که نیوسرویی در سرتا سرگردستان مستقر شده است، محاصره و سرکوب بسته سیاست اصلی وی تبدیل گشته و از این پس رژیم مابودی نیروی پیشمرگه را در دستور روز خود قرار داد. مقایسه ای بین زمستان ۶۴ با زمستان سال ۶۲ نشان می‌دهد که به لحاظ استقرار نیروهای در سرتا سرگردستان، تغییرات اساسی در وضعیت این منطقه بوجود پیوسته است. در استانهای ایسردوره - یعنی زمستان ۶۴ - میسرایی - حد و حد شمال مراکز نظامی رژیم بر تعداد سابق پایگاهها افزوده شد و تعداد آن به حوالی ۲۵۰۰ مرکز نظامی رسید. همچنین در بخش قابل توجهی از آبادیهای سرتا سرگرد که مورد استفاده پیشمرگان قرار میگرفت، پایگاه و مراکز احداث شد و برخی از مناطق عمقی و روستاهای غیر قابل دسترس توسط سیاست کوچ اجباری و تسلیح اجباری عملاً به مناطقی غیر قابل استفاده برای پیشمرگه تبدیل شد. علاوه بر آن

شرایط را در اختیار میسرورد و در جمهوری اسلامی قرارداد تا بنویسند با سرعت و خیال راحتتری برنامه‌ها خود را به پیش ببرند، چرا که از این پس بخش اعظم نیروی پیشمرگه صرف درگیری درونی میشد و در سایر مواقع نیز نیروهای حزب دمکرات و کومله نه تنها از سوی رژیم بلکه از سوی نیروی دیگر خود را در خطر میدیدند و بدین ترتیب نمیتوانستند برنامه‌های جنگی خود را در مقابل رژیم پیش ببرند. طرفین جنگ، نیروی اصلی خود را برای مقابله با یکدیگر مصرف نمیدادند و در مناطقی که هر یک بندهای حضور داشتند، تمرکزهایین نیرو و جاسوس داشتند، زیرا تمرکز اصلی در مقابل آرایش داد میشد. بعد از یورش رژیم بسته کردستان، هیچ بلیه‌ای به اندازه جنگ حزب دمکرات و کومله به جنبش خلق کرد لحظه وارد نساخت و در موضوع مسرود بحث مانیز این جنگ پستابه نعمتی در خدمت رژیم فقها قرار گرفت تا بتوانند برنامه استقرارش را سرپرست پیش ببرند بدین ترتیب رژیم توانست تا پایان سال ۶۴ برنامه استقرار نیروهای نظامی خود در کردستان را به انجام رسانده و تعرض

کردستان با کل مناطق ایران دارد و تداوم عقب نشینی جنبش و تعرض رژیم فقها، روند پیشرویهای نظامی رژیم نیز امری غیر قابل تصور نبود و نیست. اما آنچه در این بیسن دارای اهمیت میباشد این است که اتخاذ سیاستهای اصولی از طرف نیروهای جنبش و بهره برداری کامل از شرایط می توانست وضعیت سی را فراهم سازد که اولا پیشرویهای نظامی دشمن با تاخیر بیشتری تلفات و ضایعات فراوان تر صورت گرفته و در این فاصله تلفات و ضایعات و محدودیتهای کمتری به نیروی پیشمرگه تحمیل شود. ثانیا در این فاصله، جنبش مقاومت خلق کرد به دستاورد های سیاسی و نظامی بیشتری دست پیدا کرده، و در عرصه سازماندهی توده های و بسیج سیاسی و نظامی توده ها گامهای موثرتری برداشته و امروزه در این زمینه ها در شرایط مساعدتری قرار داشته باشد. ثالثا این دستاورد ها، امکانات بیشتری در اختیارش قرار

بملاحظه سازماندهی و بسیج نیروی رژیم نیز، اکیپهای قوی سازمان یافته و منظمی با هدف نا امن کردن مناطق و بعضا تعقیب سیاست صحرانوردی سرکوب در حد گرد آنها و تپیه های ضربت سازماندهی شده و فعالیت خود را آغاز نمودند. از سوی دیگر با مراجعه به میزان حضور و فعالیت نیروی پیشمرگه نیز، در کردستان سال ۶۴، میبینیم که این میزان به نسبت سال ۶۳ کاهش چشمگیر داشته که اساسا ناشی از عوامل فوق و تکمیل شد برنامه استقرار نیروهای رژیم بود. است و بدین ترتیب نقطه پایانی بر مرحله استقرار نیروهای دشمن در کردستان گذاشته شد.

بخش دوم: جنگ پارتیزانی کامل

بیانگر مرحله ای دیگر

تکمیل استقرار نیروهای نظامی دشمن که در پی اشغال سراسر کردستان بوموع پیوسته تابع روند عینی اوضاع سیاسی جامعه بود و در پی ازود بوموع میپوست با توجه به پیوند تنگاتنگی که اوضاع سیاسی

خود مختاری برای خلق کرد دموکراسی توده ای برای ایران

داده و در مراحل بعدی که با خیزش جنبش توده‌های روبرو خواهیم شد، جنبش خلق کرد در شرایط مساعدتری قرار گیرد تا با تکیه بدین شرایط بتواند به پیروزی‌های عمیق‌تر و وسیع‌تری دست پیدا کند.

مهمترین عواملی که در طی مراحل قبلی به ضرر جنبش و به نفع تسریع پیروزی‌های نظامی دشمن عمل نموده عبارتست از عدم اتکاء نیروهای سیاسی به سازماندهی توده‌های عدم وجود همکاری و هماهنگی بین نیروهای سیاسی و حرکت غیر نقشه‌مد و انطباق خود بخودی با شرایط سازماندهی توده‌های می‌توانست مواج بسیاری را در برابر پیشروی رژیم بوجود آورد و در صورت وقوع پیشروی دشمن نیز، هم بیشترین مواج را در برابر مزدوران مستقر در منطقه بوجود آورد و هم بیشترین تسهیلات را برای نیروی پیشمرگه فراهم سازد.

وجود همکاری و هماهنگی بین نیروهای سیاسی می‌توانست قدرت به مراتب بیشتری را در عرصه مبارزه مسلحانه بکار اندازد عدم وجود همکاری بین نیروها موجب گشت که هر یک از آنها جنگ مستقلی را با

رژیم اسلامی به پیش برند و این امتان را برای دشمن فراهم ساخت که با توجه به گوناگونی سیاست نیروهای مختلف در هر مقطعی به حلقه‌های ضعیف‌تری از شرایط جنبش دست یابد و در عین حمله به این حلقه‌ها، نگران مناطق و مسائل دیگر نباشد. البته این مسائل تا زمانی می‌توانست بعنوان نقطه ضعف جنبش مطرح گردد که جنگ حزب دمکرات و کومله‌ها آغاز نشده بود، چرا که پس از آن تنها پراکندگی در صفوف جنبش عاملی به نفع دشمن بشمار نرفته و صرف انرژی نیروهای جنبش برای مثل عام یکدیگر و نا امن شدن شرایط - شان بدلیل حضور نیروی سیاسی دیگر در منطقه، امتیازات فروانسی را در اختیار نیروهای دشمن قرار داد.

حرکت با نقشه که مبتنی بر ارزیابی درستی از اوضاع سیاسی و نظامی منطقه باشد می‌توانست انطباق آگاهانه نیروهای جنبش با شرایط جدید را به سرعت تأمین نموده و از بروز تلفات و ضایعات بسیاری جلوگیری نماید. مجموعه عوامل فوق‌گرفته می‌توانست

در مرحله دوم که اکثر مناطق از دست رفت، نقش اصلی با جنگ سنگری (تحرکی) بود و از جنگ پارتیزانی باید بعنوان شکل مکمل استفاده میشد اما در طول این مرحله، نقش جنگ پارتیزانی بتدریج افزایش یافته و جنگ سنگری بتدریج جای خود را به شکل پارتیزانی میداد. البته بکارگیری این اشکال تابع اوضاع و احوال هر منطقه بود و نباید شکل ثابتی برای کلیه مناطق در نظر گرفته میشد. ولی عمومی ترین شکلی که باید بکار گرفته میشد جنگ سنگری بود. با پیشروی دشمن در زمینه استقرار نیروهایش در کردستان، جنگ سنگری بتدریج غیر قابل استفاده شده و روند عمومی اوضاع بسوی جنگ پارتیزانی کامل سیر میکرد. بالاخره در اثر استقرار نیروهای دشمن و پایان یافتن مرحله تحریر استراتژیک آن، جنگ پارتیزانی کامل به شکل اصلی مبارزه مسلحانه در کردستان تبدیل شد و دیگر، جنگ سنگری به شکل موردی و در مناطق محدودی امکان بکارگیری دارد.

بعیه در صفحه ۲۷

جیش خلق کرد را در شرایط مساعدتری قرار داده و به تعمیق آن پیفزاید ولی همانطور که در بالا یاد آور شدیم، پیرویهای نظامی دشمن و استقرار نیروهایش در نواحی بر بستر روند عینسی اوضاع بوقوع پیوست، این تغییرات در عرصه اشکال نظامی و تاکتیکیهای آن نیز تاثیر خود را برجای گذاشته و ضرورتاً تحولاتی نیز در این عرصه بوقوع پیوست.

در مرحله اول که مناطق آزاد بسیاری در اختیار پیشمرگان بوده، دفاع از این مناطق نيسر دارای اهمیت درجه اول بود و دفاع از مناطق تحت اشکال جنگ موضعی و جنگ متحرک باید صورت میگرفت و اشکال پارتیزانی نیز باید بعنوان وجه مکمل بکار گرفته میشد. هرچه پیشروی دشمن بیشتر شد و مناطق بیشتری بدستش افتاد اشکال موضعی، متحرک و پارتیزانی به ترتیب جای خود را به یکدیگر داده و در هر مرحله ای، در عین اینکه شکلی از اینها نقش اصلی را ایفا مینمود. اشکال دیگر بعنوان اشکال مکمل عملکرد داشت.

پایگاه حمایتی نیرومندی بسرای
مبارزه مسلحانه ایجاد می‌کند آن
زمینه‌ای است که او را و میدارد پا
به پای سازماندهی جنگ مسلحانه

۰۰۰ در درجه نخست میلیتاریزاسیون
کردستان با هدف سرکوب مبارزه مسلحانه
بعنوان غالبترین شکل مبارزه خطو
کرد و پایه قدرت دوگانه موجود در

میلیتاریزاسیون کردستان و مبارزات خلق کرد

برای سرکوب بازوی مسلح مقاومت،
در صدد خاموش ساختن کوره عظیم
مقاومت توده‌های برآید .
اگر در شرایط کنونی مبارزه
مسلحانه بمشابه غالبترین شکل مبارزه
بخشهای معینی از پیشروان خلق
کرد را در صفوف خود جای داده
است اما مبارزه سیاسی توده‌های در
روستاها و شهرهای کردستان و به
وسعت تمامی آحاد خلق کرد جاری
است. اگرچه بخاطر بی توجهی
به سازماندهی مبارزات توده‌های انرژیک
عظیم موجود نهفته در صفوف
خلق کرد بقدر کافی بسیج و سازماندهی
هی نشده است اما نگاهی هر چند
گذر ربه بیان مقاومت توده‌های در
برابر سیاست ضد انقلابی رژیم
جمهوری اسلامی برجستگی این شکل
از مبارزه را بخوبی میدهد .
ما در شماره قبل نشریه ریگای

کردستان صورت می‌گیرد . مسلماً رژیم
خود گامه جمهوری اسلامی که
ابتدائی ترین حقوق زحمتکشان را با
فساد کامل در هم می‌کوبد نمیتواند
شاهد اقتدار توده‌های سترگی باشد
که بازوی نظامی فعالی حاکمیت آن
است . در وهله بعد میلیتاریزاسیون
در کردستان ، در هم کوبیدن مبارزه
توده‌های وسیع خلق کرد و قطع حمایت
وسیع توده‌های از مبارزه مسلحانه
را هدف خود قرار داده است .
رژیم جمهوری اسلامی اگر چه
کردستان را بلحاظ نظامی در محاصره
خود در آورده است اما خود در میان
دریانی از خشم و نفرت و تنفس
توده‌های به محاصره افتاده است .
انزوای مطلق رژیم در کردستان و
مواجه شدنش با انرژیک عظیم اعتراضی
توده‌های که از سوئی در برابر آنها جماعت
او مقاومت ورزیده و از سوی دیگر

پای کار

کردستان ابداع نموده و یکبار
بستانند .

وظیفه پيشاهنگ انقلابی آموختن
از عینیت مبارزه توده های ارتقا
آن بشکل آگاهانه ، برطرف نمودن
نقاط ضعف آن و گستردن هر چه
بیشتر آن میباشد . پس ضروری است
مقدمت شاخه های مختلف سیاست
میلیتاریزه کردن کردستان مطرح شده
و بر اشکال مقاومت توده های در برابر
آنها تاکید شود .

شاخه های مختلف سیاست
نظامی کردن کردستان بقرار زیر
است :

احداث پایگاه و انتقال پایگاهها
پدرون روستاها ، جمع آوری اجباری
آذوقه و تدارکات از روستائیان ،
تسلیح و نگهبانی اجباری ، کسوج
دادن اجباری روستائیان ، بستن
مرزها و مین گذاری وسیع آن ،
احیای روابط فنودالی و عشیرهای
بعنوان بازوی کمکی میلیتاریسم در
کردستان .

در زیر به بررسی هر یک از
قلمروهای نظامی کردن کردستان و
مقاومت توده های در برابر آن
میپردازیم :

کرینکار مقاومت توده های در برابر
سیاست سرریز گیری اجباری در
کردستان را مورد بررسی قرار دادیم
طبعاً این یورش رژیم برای مقاصد
توسعه طلبانه و جنگ آفرزانه او در
جنگ علیه عراق به اجرا در میآید
و در مورد کلیه مناطق ایران صادق
است . در این مقاله ما به بررسی
میلیتاریزاسیون بمشابه ابزار جنگ
رژیم جمهوری اسلامی علیه جنبش
مقاومت خلق کرد میپردازیم .

جنگ مسلحانه علیه سیاست
سرکوب نظامی رژیم جمهوری اسلامی
توسط پیشمرگان خلق کرد بصورت
فعال جاری است . تصرف چشمگیر
پایگاههای دشمن و نفوذ نیروی
پیشمرگه به شهرها و ضربه زدن به
نیروهای مسلح در قلب مناطق
میلیتاریزه شده ، نشان میدهد
که سیاست نظامی کردن کردستان
برای نابود ساختن بازوی نظامی
مقاومت به شکست انجامیده است .
اماد رکنا ر آن مبارزه توده ای وسیعی
نیز پا به عرصه زندگی نهادهاست .
در این سطح از مبارزه توده های
زحمتکش خلق کرد اشکال و تاکتیکهای
موشری را علیه سیاست نظامی کردن

۱) احداث پایگاهها و انتقال آن بدرون روستاها:

گسترش پایگاههای نظامی و انتقال این پایگاهها بدرون روستا جزئی از سیاست کلی رژیم بسرایی میلیتاریزه کردن کردستان است. دستیابی به موفقیت در این زمینه باعث میگردد که مزدوران رژیم علاوه بر نا امن کردن این روستاها برای نیروی پیشمرکه بسادگی وظایف دیگر خود را از سر بازگیری، بسیج اجباری، نگهداری اجباری و سایر اجحافات بر مردم را انجام دهند. چراکه آشنائی مزدوران با تنگ تنگ اهالی روستا باعث سهولت کار آنها در تمامی زمینههای فوق است. یکی از مهمترین عرصه های مبارزه با میلیتاریسم، مبارزه علیه حضور مزدوران در داخل روستاها بوده است. بررسی مبارزات توده ها در این عرصه نشان میدهد که مبارزه علیه حضور مزدوران از مراحل مختلفی میگردد. الف - در بدو آمدن جاشها و پاسداران برای استقرار مقر میبایستی زن و مرد و بزرگ و کوچک روستا، یکپارچه و یکسدا مخالفت خود را با آمدن مقرر

مزدوران اعلام کنند و اجازه آوردن مقر را به آنها ندهند. ب) چنانچه مزدوران با فشار بر روی مردم، تیراندازی و غیره توانستند بر مخالفت اهالی روستا چیره شوند آنکسها مرحله دوم مبارزه فرا میرسد. آنها برای مقر احتیاج به مکانی دارند. مردم در این مرحله میبایستی ازدادن خانه های خود و یا احیانا مسجد روستا به آنان خوداری کنند. ج) چنانچه به هر دلیل رژیم نتوانست در جایی هم مستقر شد آنگاه فشارها اهالی باید بر روی آنان شروع شود. در این حالت موضع اهالی میبایست تحریم کامل نیروهای رژیم باشد.

اصل اساسی در این رابطه این است که توده های اهالی میباید متکی به اتحاد و تشکلهای خود از تمامی وجوه زندگی آزادانه و حقوق خود دفاع نموده و مانع هر گونه پیشروی رژیم و یا تحمیل هر مسئله ای به آنها بشوند. در عین حال از در اختیار قرار دادن هر گونه کمک و یا انجام هر کاری که به نوعی - مستقیم یا غیر مستقیم - مورد استفاده و بهره برداری رژیم گردد بشدت پرهیزید. از هویت شورایا دیگر تشکلهای

اخراج مردوران و برچیدن پایگاه -
ها - به بهانه ها و دلائل مختلف
که متناسب با هر شرایط معین
تعیین میشود - و بر مبنای آن
سازمان دادن حرکات قدرتمند و
اعتراض در مقابل پناگاهها
و مراکز رژیم و حتی راهپیمایی
نی به طرف شهرها و اعتراض در مقابل
ارگاسهای رژیم تنها تضمین واقعه
برای موفقیت مبارزه است. در این
رابطه ایجاد هماهنگی با اهالی
روستاهای همجوار بروز و قدرتمند
حرکات هر چه بیشتر می افزاید.

۲) جمع آوری اجباری آذوقه و
مدار و پاپاول روستائیان
در شرایط افلاس مالی و بحران

ندیدند افساد رژیم تامین بخشی
از نیازات و آذوقه مرد و راس را به
مردم تحمیل میکنند و برای این کار، از
روستاهای همجوار روستائی که در آن
معدن دارند، آذوقه، وسیله
نقلیه و سایر نیازمندیهای مقرر و یا
پایگاهها را میخوانند. این فرصت
سازره نیز در ارتباط مستقیم با حضور

علنی و مجامع منظم آن و حدود
اختیاراتش در مقابل فشار رژیم
برای محدود کردن و تغییر دادن
آنها دفاع کنند. اما از همه اینها
گذشته باید به این نکته توجه
ویژه داشت که رهنمودهای فوری
هیچگاه بدین معنا نیست که به هر
صورت به حضور نیروهای رژیم در
روستاهای خود تن بدهیم. برعکس
باید از همان آغاز استقرار مردوران
رژیم همواره تنبر ما این باشد که
تبادل قوا به نفع ما باقی بماند، و
همواره بیشتر در زیربها ما باشیم. زمان
و مکان جنگ را ما تعیین خواهیم.
بسیار بیان دیگری باید همواره
تحت هر بهانه و به خاطر هر حرکت
و تقلای رژیم با بسیج و تبلیغ پیاپی
در بین اهالی حرکات دسته جمعی
نیرومندی علیه حضور نیروهای رژیم
سازمان دهیم. در غیر این صورت
رژیم کم کم پایه های استقرار خود را
مستحکم نموده و قدم به قدم انکار
نیرومندی را میگذارد. تبلیغ مستمر
خواستار من روستائیان مبنی بر

تقدیر از بین سر نوشت حق مسلم خلفهاست

مزدوران در روستاهاست، بررسی مبارزات این عرصه نشان میدهد، در هر جا که مردم روستاها بصورتیکه چاره از دادن تدارکات و آذوقه و غیره به مزدوران خودداری کرده‌اند، رژیم قادر به هیچ کاری در برابر انسان نبوده است. موفقیت مردم در ایس عرصه باعث میشود، از تراکم نیروهای مزدور رژیم در منطقه کاسته شود و این خود برای مبارزات توده‌های مردم بزرگی است. بنابراین باید از در اختیار قرار دادن هرگونه کمک و یا انجام هر کاری که به نوعی مستقیم یا غیر مستقیم موجب تامین آذوقه و تدارکات مزدوران رژیم میشود پرهیز موده و تاکتیک تحریم دسته جمعی اهالی را به اجراء آورد. آنچه به فشار مزدوران ادامه پیدا نمود آنگاه میبایستی بطور دسته جمعی جلو پایگاه مزدوران به تجمع و اعتراض پرداخت.

۲- سیاست تسلیح و نگهبانسی

اجباری

یکی دیگر از عرصه‌های گسترده مبارزات توده‌های خلق کرد علیه میلیتاریسم و ریزاسیون کردستان مبارزه علیه سیاست تسلیح و نگهبانی اجباری است. رژیم

جمهوری اسلامی اگر چه قریباً ۱۰۰۰۰ نفر نیروی نظامی خود را برای سرکوبی خلق کرد بسیج کردستان کسبل داشته است اما با وجود این نتوانسته است مبارزات سیاسی توده‌ها را به کنترل درآورد. و نه اینکه جلو فعالیت نیروی پیشمرگه را بگیرد. سیاست تسلیح و نگهبانی اجباری برای رژیم از پند جهت دارای اهمیت است اولاً برای تسلط نظامی بر کردستان نیروی خسته شده فعالیت نمیکند لذا باید با تیر خوردن بخشی از خلق کرد این کمبند را جبران کنند تا با تسلیح بخشی از خلق کرد ضد دارد به مرور زمان در جنبش شکاف ایجاد نماید.

رژیم چنانچه بتواند در ایس مرحله به موفقیت دست یابد مطمئناً به همین مرحله رانسی نبوده و همین افراد مسلح شده را ابتداء به میدان در نبرد علیه پیشمرگه و سپس نیز به گوند دم توپ جبهه‌ها جنگ ارزشی ایران و عراق تبدیل خواهند نمود. مثلاً در روستای "بجورد" از توابع کوفاسی هریوان پس از تحمیل نگهبانی و تسلیح اجباری بر مردم، آنها اعلام شد تا برای

چنین اقدامات دلیرانه‌ای بدلیل برد تبلیغی آن حداقل برای یک دوره مزدوران را از سیاست خود منصرف میکند .

ج) - چنانچه به هر دلیل مردم نتوانستند در برابر مزدوران ایستادگی کرده و مجبور به تحویل گرفتن سلاح شدند ، در این مرحله میبایستی کار شکنی های وسیع و اخلاص در وظایف محوله ، اعتراضات دسته جمعی جلو مفرزدوران ، راهپیمائی در شهرها ، سازمان داد ، موارد بالا جمع بندی مبارزات کنونی توده ها علیه تسلیح و نگهبانی اجباریست . توده های زحمتکش خلق کرد با بکارگیری همین تاکتیکها تاکنون دلیرانه در برابر سیاست ضد انقلابی تسلیح اجباری و نگهبانی اجباری رژیم مقاومت کرده و تقریباً در اکثریت قریب به اتفاق درگیرسپاهشان با رژیم موفق شده اند حواست رژیم را برای نگهبانی اجباری و یا تسلیح اجباری مردم با سنگت روبرو سازند .

۴) کوچ اجباری :

مزدوران جمهوری اسلامی برای هشبرد سیاست میلیتاریستی خود ، جلو چشمان حیرت زده زنان و مردان

جبهه های جنگ آماده شوند که در نتیجه آن در روز ششم مهرماه اهالی روستا پس از یک دور مبارزه سسر - سخنانه موفق شدند اسلحه های خود را به رژیم باز پس دهند . برای به شکست کشاندن سیاست تسلیح و نگهبانی اجباری رژیم میبایستی اقدامات زیر را به ترتیب انجام دهیم :

الف) - هنگام طرح سیاست تسلیح و یا نگهبانی اجباری میبایستی متحد و یک صدا علیه آن اعتراض نمود . غالباً رژیم از ترسند ها مختلفی همچون قطع خواربار ، کتک کاری مردم ، گذاشتن تفنگ در روستا و در خانه ها و غیره استفاده میکنند . اما در برابر این حيله ها و فشارها مطلقاً نباید به سیاست رژیم تن داد و حتی اگر یک ماه تفنگدار خانه های مردم همانند نباید به آنها دست زد تا دوباره مزدوران به سراغشان می آیند .

ب) - چنانچه رژیم با استفاده از فشار زیاد سعی در پیشبرد سیاست خود داشت ، میتوان اقدامات گسترده ای مثل تخلیه روستا را انجام داد . این عمل باعث میشود که اهالی منطقه از مسئله با خبر شده و به کمک بیایند . گذشته از این

تاکنون رژیم در این زمینه توانسته است برخی از روستاها را ویران کرده و اهالی آنها را آواره کند اما باز هم در این عرصه نیز رژیم در مجموع با شکست مواجه شده است.

برای جلوگیری از پیشروی رژیم در این عرصه، مقاومت فعلی را باید گسترده تر نمود و در بعد وسیعتری سازمان داد. در اکثر مواردی که مقاومت تنها به یک روستا محدود بوده است یا رژیم مقاومت را در هم شکسته و اهالی را از روستا بزور خسار ج ساخته و یا حداکثر برای دوره‌ای از خواست خود عقب نشینی نموده اما پس از طی مدتی کوتاه مجدداً به سراغ مردم آمده است. اما در تمامی مواردی که مبارزه توده‌ها در برابر کوچاندن اجباری جنبه عمومی تر و منطقه‌ای بخود گرفته است، رژیم مجبور به عقب نشینی اساسی شده است. لذا به هنگام طرح مسئله کوچ اجباری از سوی رژیم مسیباستی؛ اولاً - قاطعانه در برابر ایمن سیاست ایستادگی نموده و حتی به قیمت آتش زدن پند خانه هم که شده روستا را خالی ننمود.

ثانیاً - در اسرع وقت اعتراض را از

و کودگان روستا خانه‌هایشان را آتش زد و آنان را آواره روستاها و شهرها میکند. رژیم با این سیاست دوهنڈ را تعقیب میکند، از سوئی دست توده‌ها را از زمین و زندگیشان جدا کرده و آنان را در شرایط بحرانی کنونی و بیگاری موجود، مجبور به تسن دادن به سیاستهای خسرو نموده و بدین وسیله کمبودهای نظامی خود را در جنگ ارتجاعی ایران و عراق و جنگ کردستان جبران میکند. و از سوی دیگر با خالی نمودن روستاها، تلاش میکند مناطق عایق برای جلوگیری از رفت و آمد پیشمرگان بوجود آورد.

تا جایی که به پیشمرگان مربوط شود تخلیه روستاهای استراتژیک تاثیر اساسی بر فعالیت آنان نخواهد گذاشت چرا که انجام عملیاتهای بزرگ، تصرف پایگاه و نیز عملیات پیشمرگان در داخل یا حومه شهرها بخوبی نشان میدهد که پیشمرگان در کجا حضور دارند. اما موفقیت رژیم در ریه زور کوچاندن اهالی روستاها همانگونه که اشاره رفت هر چه بیشتر توده‌های رحمتکش را به رژیم وابسته مینماید. متأسفانه

عرضه‌ای از میلیتاریزه گسردن کردستان که به تاریخی شروع شده و در آینده به احتمال قوی شدت خواهد، یافت بستن مرزهاست. در طی سالهای گذشته، بخشی از توده‌ها زخم‌کنش مناطق مختلف کردستان، بدان جهت بود، و برای و گران‌ترین سرمایه‌ها و سرمایه‌های مردم بازارها را از بازارهای مری بدست آورد و برای این کار اهالی مناطق مختلف کردستان و خصوصاً اکثرین مناطق مری مجبور بود، باشد که از مرز گذشته، خود را به این بازارها برسانند. رژیم جمهوری اسلامی اکثرین سرمایه‌های تکمیل اهداف میلیتاریستی خود تصمیم گرفته است در این عرصه نیز اقدامات را شروع کند و برای اولین بار در پائیز گذشته این مسئله را در ناحیه سردشت مطرح کرد. اهالی روستاها با بعضی اطلاع از این قصد جایستکارانه رژیم متحدان علیسه آن اعتراض نمود و مطرح کردند که در صورت مین گذاری و سیم خاردار کشی مرزها روز احتیاج آنان روی مین خواهند رفت. با توجه به اعتراض گسترده مردم رژیم از خواست خود عقب نشینی کرده اما در همان حال

حد یک روستا گسترش داده و آنرا منطقه‌ای کرد.

ثالثاً - در صورتی که رژیم موفق شد اهالی را با زور بیرون کند باید اعتراض گسترده را در مراکز شهرها سازمان داده و به مبارزه برای بازگشت به روستاها اقدام داد. در این شرایط میتوان از تاکتیک‌هایی مانند راهپیمایی، تحصن و اعتراض در جلو ادارات و اماکن دولتی سود جست. رابعاً - پس از تخلیه روستاها از سوی مزدوران دوباره باید به روستاها بازگشت و در آن اسکان یافت.

علاوه بر موارد فوق باید تلاش نمود در دوره تخلیه روستا نیز وحدت مبارزاتی و ارتباط بین اهالی روستا را تامین نمود و مانع ایجاد تفرقه و روحیه سرخوردگی در میان اهالی شد. بدون شک انجام پیگیرانه موارد فوق همچنانکه تجربه نشان میدهد باعث موفقیت مردم در مبارزه علیه سیاست میلیتاریستی کوچ اجباری خواهد بود.

۵) بستن مرزها و مین گذاری وسیع آن:

۲)- چنانچه رژیم موفق به بستن مرزها شد • بلافاصله میبایستی به قطع سیمها و خنثی نمودن مینها و یا منفجر کردن آنها پرداخت که بهتر است در این زمینه از پیشمرگان کمک خواست • چنانچه رژیم بطور مرتب دست به تعمیر محللهای قطع شده زد • توده‌ها نیز میبایستی همان شب بعد از نقاط دیگری را ه خود را باز کنند • تداوم این پروسه رژیم را مستأصل خواهد نمود •

۶)- احیای روابط قنودالی و عشایری بعنوان بازوی کمکی میلیتاریسم در کردستان:

عرصه دیگری از میلیتاریسم در کردستان که مدتیست از سوی رژیم بیدان آورده شده استفاده از تضاد میان قنودالها و دهقانان در برخی از نواحی کردستان است • در طی سالهایی که مناطق کردستان در دست نیروی پیشمرگه قرار داشت دهقانان زحمتکش اقدام به معادله زمینهای اربابی نموده‌اند • اکنون که مناطق به اشغال رژیم

تصریح کرده است که در بهار آینده دوباره اقدام خود را از سر خواهد گرفت • رژیم همچنین در مناطق مرزی مریوان و اورامان اقدام به مین گذاری وسیع و کمین گذاری های گسترده و تقریباً دائمی در محل عبور پیشمرگان نموده است • ناگفته پیداست که اقدامات فوق یکسوی از عرصه‌های اساسی تاکتیک میلیتاریزه کردن کردستان از سوی رژیم است • پس برای مبارزه با این عرصه مهم ، همچنانکه اهالی روستاهای مرزی سوسنی سردشت عمل کردند میبایستی:

- ۱)- به محض اطلاع از چنین اقدامی از سوی رژیم اهالی منطقه یا ناحیه‌ای که در آن اینکار صورت میگیرد، بطور یکپارچه و یک صدا علیه سیم خادارکشی و مین گذاری اعتراض نمایند •
- ۲)- اقدام هر چه گسترده‌تر باشد از کارائی بیشتری برخوردار است و زودتر رژیم را به عقب نشینی و امیدارد •

پیش بسوی سازماندهی تشکلهای توده‌ای!

درآمده است، رژیم و پنگرای جمهوری اسلامی بر طبق ماهیت ارتجاعی و ضد انقلابی خود، سیاست نفرت‌انگیزی را در ایسن باره در پیش گرفته است. رژیم به پشتیبانی از فنودالها در برابر دهقانان برخاسته و این سیاست را بشیوه‌ای ماهرانه و در جهت هر بیشتر ملیت‌ریزه کردن کردستان به اجرا در می‌آورد. هر جا که فنودالها حاضر شدند بعنوان حامیان اصلی رژیم را برگزیدند، جمهوری اسلامی اختیارات کاملی برای پس گرفتن زمینهای اربابی و جنبی اجحافات بیشتری را به حقوق نوده‌ها را به فنودالهای جانش سپرد است. در مواردی که فنودالها حاضر به جاشگیری مستقیم شده‌اند رژیم يك سیاست دوپهلوی را پیشه ساخته است. یعنی از سویی نیروی نظامی را در اختیار فنودالها نهاده تا آنها بتوانند زمینهای اربابی را باز بگیرند و از سوی دیگر دهقانان را ترغیب نموده است که الحاق رژیم را بردارند مسلح شوند و آنوقت از زمینهای خود دفاع کنند. روشن است که هدف يك چیز است، آنهم: تعویب نیروی نظامی

رژیم در کردستان و تکمیل ملیت‌ریسم اما تاکنون تنها بخشی از فنودالها در یک‌یاد وسطه آسپد ز تعداد انگشت شمار، به این سیاست ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی پیوسته‌اند. برای مبارزه با این سیاست رژیم لازم است:

با اتکا به اتحاد و یکپارچگی موجود در میان زحمتکشان روستا در برابر توطئه رژیم ایستادگی نمود و از زمینهای مصادره شده دفاع کرد. مبارزه برای دفاع از زمینهای مصادره شده توسط دهقانان و علیه فنودالها می‌تواند ایجاد وسیع‌المنافع کند.

رژیم جمهوری اسلامی دانسته با گسترش این مبارزات و اعتراضات شهرها اهرم نیرومندی برای مبارز با سران فنودال و عنایرو رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است.

علاوه بر عرصه‌های اصلی که فوقاً اشاره کردیم سیاست نظامی کردن کردستان و تشکیل مختلف زنجیرکی توده‌ها به موارد دیگر نیز بر می‌گردد. این عرصه‌ها عبارتند از:

(۱) باجگیری‌های رسمی و غیر

انقلاب اکتبر طلایه دار دفاع از حقوق خلقها

در امور ملتها عا د را شد .

اعلامیه حقوق خلقهای روسیه

" ۰۰۰ اولین گنگره شوراهای در ماه ژوئن این سال حق خلقهای روسیه را در تعیین آزادانه سرروشت اعلام داشت . دومین گنگره شوراهای در اکتبر این سال ، " ایمن حسق استرداد شدنی " خلقهای روسیه را فاطع تر و مشخص تر تصریح کرد . شورای کمیسرهای خلق در اجسرا ' ارانه گنگره مزبور تصمیم گرفت دست اساسهای رییس را پایه فعالیت خویش در باره مسئله ملیت های روسیه فرار دهد :

۱- برابری و حق حاکمیت خلقهای روسیه ،

۲- حق خلقهای روسیه در تعیین آزادانه سرروشت خویش تا حد جدا-

یی و تشکیل دولت مستقل ؛

۳- الغای همه و هر گونه امتیازدیا

محدودیتهای ملی و مذهبی ؛

۴- رسیدن آزادانه اقلیت های ملی

۱۱ آبان، انقلاب اکتبر وارد هفتادمین سال حیات پربار خود شد . بدون شك این رویداد عظیم تاریخی که باعث شروع دوران نویسی در تاریخ بشریت یعنی دوران گذار به سوسیالیزم و نابودی سرمایه داری گردید از وجوه مختلفی قابل بررسی و تعمق است . آنچه در ایسن نوشته کوتاه سعی در روشن ساختن آن در اهرم بررسی گوشه های از چگونگی برخورد بلشویکها به مسئله ملی و خلقهای کشور پهناور روسیه است . يك هفته پس از پیروزی حکومت شورایی در روسیه حق تعیین سرروشت به نلیه خلق های آن کشور اعطا شد . ننیستها بعد ها نشان دادند که در عمل نیز محکم و استوار به ایسن سر روفا دارند .

امزمیه زیر بعثابه دستور العملی دولتی در همان اولین روزهای پیروز انقلاب اکتبر با امضای لنین بعنوان صدر شوراهای کمیسرهای حلسوو استالین بعنوان امضای کمیسر خلق

کارگران و زحمتکشان بر نفوذ بورژوازی
غلبه کرده و به اتحاد جماهیر
شوری پیوستند و از بین آنان تنها
جمهوری فنلاند دولت مستقل تشکیل
داد.

در اولین سالهای حکومت شوروی
از آنجا که در زمان حکومت تزار، خلقهای
روسیه از جانب "ولیکاروسها" مورد
ستم و گناه واقع میشدند، نوعی
بدبینی نسبت به ملت روس در بین
آنان وجود داشت و همین امر نیز
موجب جدایی برخی از جمهوریهها
در آن دوران شد. اما بتدریج با
اعطاء حقوق ملی خلقها و پیشرفت
سوسیالیسم، خلقهای شوروی دریافتند
یا فتند که طبقه کارگر از هر نژاد و قومی
که باشد هیچ نفعی در دستگیری ملی
ندارد. بدینسان انقلاب اکتبر
نمونه بارزی از چگونگی برخورد
کمونیستها را به مسئله حقوق خلقها
در جهان ارائه نمود.

مدرت شکر حاصله از اتحاد
د اطلبانه خلقهای روسیه و پدید
آمدن شوروی به پهناوری حدود ۱/۶ از
خاک کره زمین، باعث ایجاد آنچنان
قدرتی شد که در سایه آن کشور

و گروههای اتوگرایک (نژادی -
قومی) ساکن روسیه.

فرامین ناشی از مواد فوق بید -
زننگ پس از تشکیل کمیسیون امور
ملیتهای تدوین خواهد شد.

بنام جمهوری روسیه، صدر شورای
کمیتههای خلقی
و. الیانوف (لنین)

کمیسر خلقها در امور ملیتها
ژوزف استالین

پس از صادر شدن این فرمان
برخی از خلقهای روسیه که تحت تاثیر
تبلیغات و نفوذ عوامل بورژوازی بودند
باستفاده از حقوق اعطاشده که سبب
آنان حق جدایی را نیز میداد، خواهان
جدایی از کشور شورواها شدند.

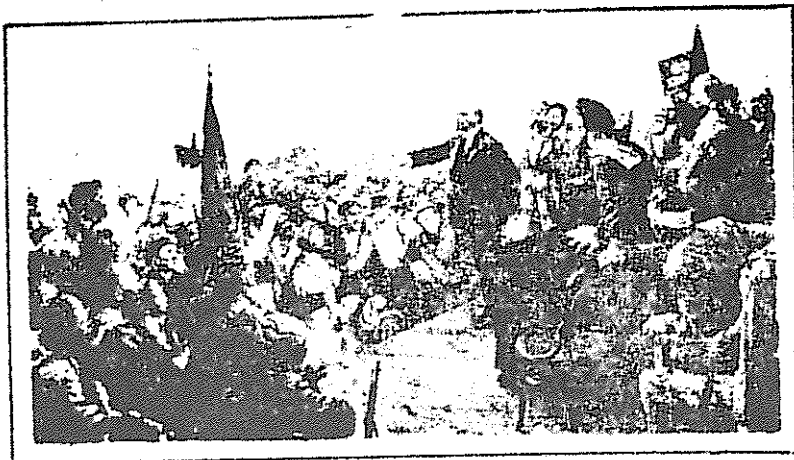
فنلاند، استونی، لیتوانی، ارمنستان
آذربایجان و چند جمهوری دیگر از
این جمله بودند. بلشویکها بمشابه
پیگیرترین مدافع اتحاد د اطلبانه

خلقها، علیرغم تصمیم نادرستی
جمهوریهای مذکور، بخاطر استوار
در دفاع از حق تعیین سرنوشت
خلقها با جدائی آنان موافقت نمودند
(لازم به تذکر است که در کلیه

جمهوریهای فوق پس از یکسری
قیامهای توده‌ای و مبارزات حاد،

آن بخش از کوردستان که در خاک ارمنستان شوروی واقع شده ، علی‌رغم آنکه جمعیتشان چند صد هزار نفر بیشتر نبود و بدین لحاظ به نسبت کل کشور جمعیت قلیلی را تشکیل میدهند ، از کلیه حقوق ملی ، فرهنگی و اجتماعی خود برخوردار بوده و هم اکنون دارای ایستگاه رادیویی مخصوصی بحود بزبان کردی میباشد . از میان کلیه بخشهای خلق کرد که در کشورهای مختلف واقع شده اند تنها این بخش توانسته به حقوق ملی خود دست یابد . ما ضمن گرامید است نصرت و نهمین سالگرد انقلاب اکتبر ، همراهی و هم پیوندی خود را با کلیه کشورهای سوسیالیستی و مبارزان و رهروان راه دیمکراسی و سوسیالیزم اعلام میداریم .

شوراهای پایه‌تثهاکشور سوسیالیستی جهان توانست پایه‌های اقتصادی خود را مستحکم کرده و در مقابل انواع فشارهای دنیای سرمایه داری بایستد . از طرف دیگر تثبیت پایه‌های سوسیالیزم در اتحاد جماهیر شوروی باعث ایجاد آنچنان شرایطی گردید که حتی جمهوری هائی که در آنها مسابقات ماقبل سرمایه‌داری حاکم بود با رهبری طبقه کارگر توانستند بدون عبور از مرحله سرمایه داری به سوسیالیزم کام نهند . اینک پس از گذشت ۶۹ سال از این رویداد عظیم تاریخی خلقهای از بند رسته اتحاد شوروی ضمن رشد سی سابقه اقتصادی و اجتماعی ، فرهنگ ملی خود را نیز حفظ کرده و گسترش داده اند . کردهای ساکن



حزب کمونیست کومهله و انقلاب اکتبر

بر خوردی حقیر با انقلابی کبیر

پاشیدن به چشم توده‌ها، به آنها بقبولاند که انقلاب اکتبر، انقلاب کبیر و دوران ساز اکتبر شکست خورد و اکنون اتحاد شوروی یک کشور سرمایه داری است. استدالات متناقضی نیز که در این راه ارائه میشوند، هم چون گذشته، هیچیک پایه‌ای ندارند. با این تفاوت که در چهارچوب مجموعه نظرات بی پایه و متناقض این حزب، بیش از پیش در جهت نفسی لنینسیم و انقلاب فرار داشته و عمل میکنند.

اما به هر حال "حسزب کمونیست" کومهله میکوشد خسود را با اصطلاح مدافع انقلاب اکتبر، قلمداد کند. تا همینجا پرسیدنی است که اگر انقلابی به عظمت انقلاب اکتبر به رهبری بلشویکها و در راه آن نتواند پیروزی برسد، دیگر چه تضمینی برای پیروزی انقلاب سوسیالیستی در جهان تحت اشغال

"حزب کمونیست" کومهله که مدتهای مدید است در کسارزار تبلیغاتی علیه اردوگاه سوسیالیستی در کنار منحرفترین محافل و نظریه پردازان با اصطلاح "چپ" جهان فرار گرفته و همواره کوشیده و میکوشد با تبلیغات بی پایه و اساس، نظرات متناقض و غیر قابل اثبات خود بسه توده‌های مردم حقنه کند، اکنون بسا شتاب و صراحتی بیش از پیش میکوشد تا گوی سبقت را در این راستا، از همفکران منحرف خود - که در مبارزه علیه لنینسیم و سنتهای لنینی و نفسی انقلاب پیوسته و بی وقفه دچار شکست و فترت شده‌اند - برآید. گفتار رادیونی روزهای ۱۵ و ۱۶ آبان ماه این حزب که بمناسبت سالگرد انقلاب کبیر اکتبر پخش شد، نمونه‌ای از این تبلیغات بود. "حزب کمونیست" کومهله در این گفتار، همچون گذشته ناموفق اما پیکیر کوشید تا با خاک

سیطره امپریالیستهای رنگ و وارنگ
 — یعنی در شرایطی بمراتب مسا
 مساعد تراز شرایطی که انقلاب اکتبر
 در آن بوتوق پیوست — وجود دارد ؟
 از طرف دیگر ، مگر نه اینکه پراتیک
 محک تئوری است ، پس چگونه میتوان به
 صحت سوسیالیسم علمی که بزعم " حزب
 کمونیست " کومهله تاکنون شکست
 خورده اعتقاد داشت ؟ اگر در همینجا
 توقف و تامل کنیم بیسیسم مریان حسرت
 کمونیست کومهله را بوضوح در پر جملات
 ظاهر فریب و تبلیغی این مبنی بر اینکه
 " اکتبر برای زحمتکشان جهان یحسی
 آنکه ما هم میتوانیم " (گفتار رادیونی)
 دید ، اما این فقط یک بعد قضیه است .
 " حزب کمونیست " کومهله بسرای
 اثبات " کمونیست " بودن ادعائی خود
 در باصطلاح دفاع از سوسیالیسم علمی
 — که مرتباً در عمل با شکست مواجه
 شده — میگوید ، " اما طبقه کارگر
 در شکست انقلاب اکتبر ، همچون در
 پیروزی ، صحت تئوری مارکسیسم ، بسط
 تئوری و راهگشائی برای آیند
 را میجوید . شکست انقلاب اکتبر نشان
 میدهد که برای پیروزی طبقه کارگر
 شیور و فداکاری و عزم به پیروزی کافی
 نیست ، که نه فقط کسب قدرت سیاسی

و سرکوب تبهکاران بورژوا ، بلکه
 ادامه پیروزمند مبارزه طبقاتی در کرو
 حزبی است که متکی به مارکسیسم ،
 استراتژی صحیح و تاکتیکهای مناسب
 رابشناسد و بد ، ترزلز آنها را بکار بندد
 " (گفتار رادیونی ۱۶ آبان تأکید از ما)
 این حرفها چه معنی میدهد ؟ این
 حرفها معنائی جز این ندارد که
 بلشویکها به رهبری لنین فاقد چنین
 خصوصیاتش بودند . گفتار رادیونی
 بلافاصله ادامه میدهد که : " طبقه
 کارگر در شکست کمون پاریس آموخت
 که چگونه میتواند قدرت سیاسی را به
 چنگ آورد و شکست انقلاب اکتبر به او
 میآموزد که چگونه میتواند قدرت را در
 نامساعدترین و نامطلوبترین شرایط
 حفظ کند . چگونه به مبرمترین مسائل
 انقلاب پرولتری و پیسرفت آن پاسخ
 گوید و چگونه مسائل فوری انقلاب را
 در پیوند و یگانگی با اهداف تاریخی
 جهانی کارگر ، یک به یک حل کند " .
 (همانجا) ، معنائی این حرفها
 نیز جز این نیست که بلشویکها به
 رهبری لنین از عهد ، این امور
 برنیامدند و الا دلیلی برای شکست
 انقلاب وجود نداشت !
 اما اگر شکست کمون پاریس

انقلابی را جایگزین "مارسیسم - لنینیسم" نموده و در پی نفی سوسیالیسم موجود، به نقد لنین و بلشویسم رسید تا بتوان به بهانه بازگشت به مارکس زمینه‌های نفی لنین و لنینیسم را فراهم ساخت. اما مگر شعار بازگشت به مارکس در برابر لنین و لنینیسم حربه و ترفند همه سوسیال-دمکراتها در پیکار علیه لنینیسم نبوده است؟

در جهان امروز کمونیسم چون معنایی جز لنینیست بودن، نمیدهد زیرا لنینیسم چیزی نیست مگر مارکسیسم عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتاریائی. و لنینیسم مدافعان سرسخت و مستحکمی دارد.

گسترش جنگ ۵۵۵

در مرحله کنونی مناطق آزاد بطور کامل از دست رفته، نیروهای نظامی دشمن در کردستان مستقر شده، مناطق بینابینی عمدتاً از دست رفته و اکثریت قریب به اتفاق مناطق کردستان به مناطق پارتیزانی تبدیل شده و سیاست اصلی رژیم در مقابلها جنبش به سیاست محاصره و سرکوب نیروی پیشمرکه تبدیل گشته است. ادامه دارد

تاریخ معین و مشخصی دارد، ادعای "حزب کمونیست" کومهله مبنی بر شکست انقلاب اکثرنیز دلیل معین و مشخصی دارد. "حزب کمونیست" کومهله که برای نفی سوسیالیسم موجود و دستاوردهای آن، از زمان حال حرکت کرده بود تا سرآغاز سرمایه دار شدن شوروی - یعنی مقطع شکست انقلاب اکتبر - را روشن نماید و در این روند صراحتاً به نفی استالین پرداخته بود، اکنون برای تکمیل (یا بهتر بگوئیم، برای تصریح) نظرات انحرافی و متناقض خویش به سراغ لنین می‌رود تا با نفی وی (والبته متد متاد در پوشش انتقاد عنای جزئی - تر) بی هیچ کم کاست در کنار سوسیال دمکراتها و "چپهای" منحط "نو" - از تروتسکیستها گرفته تا بتلهایم و غیره - قرار گیرد. اما در شرایطی که "حزب کمونیست" کومهله قرار دارد، این کار (یعنی نفی لنین، لنینیسم، سنتهای لنین، اکتبر و انقلاب که نتیجه منطقی نفی سوسیالیسم موجود و تمام‌سی دستاوردهای آن است) بصادقگی امکان پذیر نیست. پس ابتدا باید "مارسیسم

نکته و نظر

مجاهدین در "فاز ضد امپریالیستی ؟؟ !!"

اسلحه از آنان باید به بهترین نحو برای توده‌های مردم ایران و افکار عمومی در سطح جهان افشا گردد. اما به راستی مجاهدین که در طی چند سال اخیر در فاز "سیاست دیپلماتیک" خود محور اصلی فعالیت‌شان را جلب حمایت از ارتجاعی‌ترین جناح‌های امپریالیسم جهانی و بویژه امپریالیسم آمریکا قرار داده‌اند حال چرا اینچنین یکشبه رنگ عوض کرده و عابد و زااهد شده‌اند؟

تمامی کارگران و زحمتکش‌ان ایران پخویی میدانند که رهبری مجاهدین پس از شکست سیاست سرنگونی ضررتی، جلب حمایت از احزاب ارتجاعی و امپریالیستی را به پایه اصلی فعالیت خود تبدیل کرد. مجاهدین برای سرپانگه داشتن "تنها آلترناتیو د مکرانیک" خود در بارگاه همه جناح‌های ارتجاعی

یکی از داغترین حوادث و رویدادهای سیاسی ماه اخیر، ماجرای افشای روابط پنهانی سران حکومت اسلامی با مقامات امیتسی دولت آمریکا، معاملات تسلیحاتی بین دو دولت بود. مسئله‌ای که چه در سطح هیئت‌های حاکمه ایران و آمریکا و همچنین در سطح افکار عمومی در کشور و حتی جهان، موضوعات زیادی به همراه داشت. در این رابطه هر که به نحوی موضوع گیری نموده است - ماطی ایسن این شماره نکته و نظر، نگاهی گذرا به موضع مجاهدین در این رابطه افکنده و به سراغ مجاهدین میرویم، ببینیم، آقایان طی سریال فاز فاز - و د، اینبار در "فاز ضد امپریالیستی" "؟؟؟! چه میگویند. مسئله مذاکرات و ساخت و پاخت پنهانی سران حکومت ضد انقلابی جمهوری اسلامی با آمریکا و تحویل

امپریالیسمها در جبل می بستند - و
 بیخ آوری امضاء گرفتن تاندر و عکس
 با آنها را معیار حمایت جهانی می
 مشروعیت الترناتیو حدود قلمسداد
 میگردند . رهبری مجاهدین چنان
 در این سراسیمه سقوط پیروست
 که نیروهای کمونیست ، چپ و دگر
 ایران را در صف متحدان میسی
 ارتجاع قرار داده ، در سراسر
 مائکسیسم خود و در هر تصمیم
 مرود آورد و از رادیکالیسم چپ
 بر ساجو در برابر آنها استوار شد
 خارجه آمریکا ، طلب استعفاء نمودند
 رهبری مجاهدین تنها و تنها از
 طریق اخراج این مواضع ارتجاعی
 میتوانست " مجبور" لارم برای پیش
 برد سیاست جلب حمایت از امپریالیسم
 لیستها را کسب کند . " مجبور"
 که نتیجه آن دشمنی و خصومت هر چه
 بیشتر با کمونیستها و پیروهای
 انقلابی و دگرگرات بود . مجاهدین
 بدین ترتیب و با اتکا به " مجبور"
 خود تلاش میکردند تا هر هفته بی
 تعداد هر چه بیشتری از سیاستمداران

و عناصر دست راستی و مرتجع محافل
 امپریالیستی ملاقات ترتیب داده با
 آنها عکس گرفته و مصاحبه‌ها ، پیامها
 و امضاءهای آنها را در نشریه
 مجاهدین چاپ کرده و بدان مناسرت
 بهر بودند . اثر در ماهوس رهبری
 مجاهدین سردیکی به امپریالیسم
 معیار مشروعیت الترناتیو با نسد
 پر مجاهدین چرا بر سر ساخت
 و با حق زیم جاسایتکار جمهوری اسلامی
 با امپریالیسم آمریکا اینچنین عیاهو
 افند ماند

این این هیئت ا ا ه س م
 از واجبات الترناتیو سازی به سبک
 مجاهدین است . آری رهبری
 مجاهدین ، بیک جریان فریبکار و
 عوام فریب تام و تمام تبدیل شده
 است . اگر طبیب بودی سر خود
 دوا نمودی ، مجاهدین اگر واقعا
 ضد امپریالیست بودند و افضسای
 روابط جمهوری اسلامی و امپریالیسم
 آمریکا را وظیفه خود میدانستند
 بل از همه باید به افشاء خصوم
 برد اخته پرونده ساخت و با خشتان با

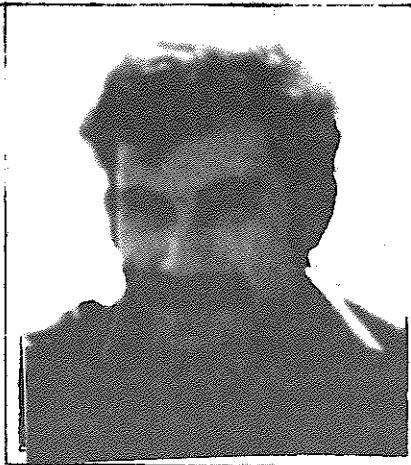
مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا

مصائب پیشمار اجتماعی است، در برابر خود قرار دادند. رژیم تبهکار جمهوری اسلامی بایستد سرنگون شود، اما آلتزاتیو سرنگون شده مجاهدین را نمیتوان پاپیس عوام فریبی ها نجات داد. حضای مجاهدین در پیشگاه توده ها دیگر رنگی ندارد و آب رفته نیز بجزوی باز نخواهد گشت!

میلیتاریزاسیون

رسمی و چپاول دسترنج توده ها •
 (۲) دستگیرهای کور، ایجاد رعب و وحشت و تفتیش و خانه گردی •
 (۳) نظامی کردن راهها، تعدد مراکز بازرسی و دستگیری مسردم در راهها •
 اینها همه زمینه‌هایی است که رژیم روز به روز میکوشد با گسترش آنها بر تمامی عرصه‌های زندگی مردم کردستان، توده‌هایی را که با تمام قوا در مقابل پیشرفت‌سیاستهای او مقابله میکنند، به ارعاب، تسلیم و انقیاد بکشاند •
 مبارزه توده‌ای در این عرصه‌ها همچون عرصه‌های اصلی میلیتاریز •

امپریالیست‌ها را بر ملا میکردند • اما مردم ما سالهاست که مجاهدین را در حرف و عمل آزموه‌اند و فازهای فریبکاری مجاهدین را بخوبی می‌شناسند • مردم آگاه و رزم‌نسنده ایران از رهبری مجاهدین خواهند پرسید: آقایان شما که روابط علنی با امپریالیست‌ها معیار پیروزی و مایه فخر و مباهات میدانید و برای کسب آن خط بطلان به گذشته خود کشیده‌اید، حال چه شده است که بناگهان جلد عوض کرده و "ضد امپریالیست" و "آتش" شده‌اید؟ کارگران و زحمتکشان ایران از ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی بخوبی آگاهند • آنها میدانند که اختلافات رژیم جمهوری اسلامی ایران با امپریالیسم آمریکا هیچ ربطی به منافع آنها نداشته و ندارد و این رژیم جنایتکار در شرایط حاضر که در بن بست یک بحران عمیق به تنگ افتاده است بسرای نجات حیات ننگین خود به ساخت و پاخت‌های آشکار و نهان با امپریالیست‌ها روی آور شده است • اکنون کارگران و زحمتکشان ایران وظیفه سرنگونی این رژیم را کمشول



آنان از مرگ سرود رهایی ساختند

جاودان یاد یاد

رفیق حسین قاضی

سازمانگری با اراده پولادین

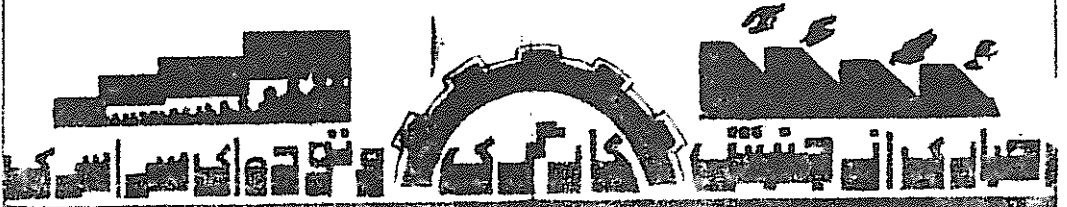
حراگانه ۱۳۰ سال ۶۳ ریسوسمین قاضی (عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی سازمان) رزمنده ثابت قدم حسین کموسی میهن ما با کامهای اسوار و چهره همواره مصمم خود در سراسر حوضه اعدام قرار گرفت. یاد زیبای او آثار گسار کموسیستی و حمایت ارزنده او در بار و بود سازمان ما سازد و دنی استیبادش جاودان باد!



کوناگون آن و سازماندهی مبارزات توده‌های علیه آن وظیفه‌ای است مستمیر و ضروری. با تمام قوا به سازمان دهی آن برخیزیم!



کردن کردستان را نیز باید متناسب با حوزه‌ها و ظرفیتهای وسیع موجود سازمان داد. نظامی کردن کردستان حلقه‌ای است مقدم برای رژیم در خدمت استراتژی‌اش یعنی درهم شکستن مبارزه مسلحانه توده‌های از یک طرف و از طرف دیگر مانعی است جدی در راه گسترش و شکوفایی شدن مبارزات توده‌های در بسیار از عرصه‌ها. بدین ترتیب مقابله با این سیاست رژیم و جوانب و اشکال



به نقل از نشریه راه کار شماره ۳۰

رکود تولید و بیکاری کارگران

اخراج کارگران زامیاد

چندی قبل در شرکت زامیاد اعلام کردند که به کارگرنانی کسبه آماده باز خرید باشند. درخواستهای آنان پذیرفته و مریانی نیز به آنها تعلق خواهد گرفت. تعدادی از کارگران بحاطر ترس از اخراج و برای دریافت مزیاناتا قبل از مهلت تعیین شده شروع بپسه در خواست باز خرید نمودند. شرکت سریعاً و در مدت کمتر از چند ساعت با تقاضاهای آنان موافقت نمود. این امر باعث تعجب کارکنان شرکت گردید زیرا فکر میکردند رسیدگی به درخواستهایشان چند ماه به طول

خواهد انجامید و آنان بکار اشتغال خواهند داشت. تا تا رسیدن تن از کارکنان ۱۸۵۰۰ ۶۵/۱/۲۸ خود را باز خرید نمودند که تاکنون ۱۱۰۰ نفر باز خرید و پولشان را بصورت چک دریافت کرده اند. کارگران باقیمانده که هر لحظه امکان اخراج خود را میدیدند در صدد اعتصاب برمیآیند و قرار بود که اعتصاب رورسه شبه ۲۱ تیرماه آغاز گردد. این تصمیم کارگران توسط عوامل امن جاسوس به اطلاع مدیریت و انجمن اسلامی کارخانه رسید. مدیریت و انجمن اسلامی برای سرکوب کارگران موضوع اعتصاب را به اطلاع وزارت کار و نخست وزیر میرسانند. روز دو

يك جو سرکوب در کارخانه با کمک
مزد وران رنگارنگ چون سپاه، کمیته
شهریانی و نمایندگان نخست وزیری،
اجراج و سرکوب را صورت داده است.

تعطیلی یک ماهه
در کیان تاثیر

در این کارخانه به سبب کاهش
شدید مواد اولیه تولید لاستیک،
تولیدات کارخانه بنحو چشمگیری کاهش
یافته و از همین رو، کیان تاثیر به مدت
یکماه تحت عنوان مرخصی سالیانه
از تاریخ ۱۰ مرداد تا ۱۰ شهریور
تعطیل خواهد بود.

اجراج کارگران در
سازمان اتکا

این سازمان که وابسته به وزارت
دفاع میباشد، تولیدات مواد پروتئینی
برای کارخانجات صنایع دفاعی را
تهیه می کند. بنا به گفته یکی از
کارگران این کارخانه تاکنون حدود
۲۰۰ نفر از کارکنان این صنایع
بعلت بحران اقتصادی اجراج
نده اند و بقیه نیز به کارهای جزئی
مشغول میباشند.

شنبه یعنی یکروز قبل از شروع
اعتصاب چندین ماشین مملو
از مزد وران دایره اطلاعات نخست
وزیری به کارخانه وارد شده و
نفر از کارکنان را دستچین کرده و
و آنها را در اتاقهای دربسته و
بطور مجزا بازجوئی مینمایند و سر
انجام هر بیست نفر را بهمراه خود
میبرند. این سرکوب کارکنان ماسعاز
آغاز اعتصاب کردند.

کارخانه رنگ سازی شمس:

اجراج و بازخرید کارگران قسمت
قوطی سازی

بدنبال درگیری مداوم کارفرما
و کارگران از چند ماه پیش، و پس
از توقف تولید به مدت ۲ ماه در
قسمت قوطی سازی این کارخانه
که بدلیل فقدان مواد اولیه صورت
گرفته بود، در اوائل تیرماه مدیریت
موفق شد که کلیه کارگران قسمت قوطی
سازی این کارخانه را که حدود ۴۰
نفر میباشند، بازخرید و اجراج
کند. اکثر این کارگران، کارگرانی
قدیمی و با سابقه کار ۶-۱۰-۱۲ و حتی
۲۰ سال و سابقه بیمه بودند. مدیریت
یت این کارخانه تا بحال با ایجاد

ادامه توقف تولید

الکتربیک در پارس

۳ خط تولیدی ۱۶ و ۱۸ و ۲۰

اینچ کارخانه که از سه ماه پیش خوابیده است، هنوز هم بدلیل کمبود قطعات راه نیفتاده و گفته می‌شود که امکان دارد تا ۵ ماه آینده نیز راه نیفتد. در این رابطه نزدیک به ۲۵۰ نفر کارگر فعلاً در سطح کارخانه بیکار وجود دارد.

باطری سازی نورو

اخراج کارگران

از بعد از ماه رمضان تاکنون، تعداد اخراجی‌های این کارخانه به ۱۸ نفر رسیده و مدیریت هنوز پرونده عده دیگری را بررسی می‌کند. مدیریت این کارگران را به بهانه‌های مختلف غیبت زیاد، کم‌کاری، دعوا و غیره اخراج کرده است.

جنگ کارگران

لاسر اتواردا روشی دکتتر فقیهی پندی پیش در این کارخانه به کلیه پرسنل فرمهای داوطلبانه اعرام به جبهه داده‌اند و از آنها خواسته شد که حتماً بسایند همه آنها بپرکنند و هر چه از دستشان برمیآید در آن بنویسند. ضمناً به کارگران گفته شد که پرکردن این ورقه به معنای رفتن به جبهه نمیباشد. تا اینکه در تاریخ ۶۵/۴/۲۱، مدیریت اعلام میکند آنها تیکه داو-

طلب رفتن به جبهه هستند هر چه زودتر خود را معرفی کنند تا ترتیب اعزام آنان به جبهه داده شود ولی هیچیک از کارگران داوطلب نبودند. بهمین دلیل مدیریت اعلام میکند که ما خودمان عده‌ای را به جبهه می فرستیم و بین کارگران فرقه کشی میکند. فرار است ۱۸ نفر بحکم قرعه به جبهه فرستاده شوند. کارگران از این اقدام مدیریت ناراضی هستند و تعدادی

پیش سوی سازماندهی همگونی طبقه کارگر

نباشد، و یا تعداد به حد سباب
رسند، بین داران آن فرقه کنسوسی
صورت خواهد کرد.

فهرست از بلژیکستان

یورس

ساز و ستای گرم سبب
سرای سربازگیری

از راه‌های سرکوبشراستندسی
بسیاری اعزام اجباری جوانان سینه
جبهه‌های مرگ به عملیات وسیع
و دامنه‌دار خود جهاد سربازی
عمومی ادامه می‌دهند. در همین
رابطه نیروهای سرکوبگر جمهوری
اسلامی حدود ساعت ۱/۵ الی ۲
ساعت به روستای گرم بیت از توابع
شهرستان چاه‌بهار هجوم می‌برند
و ۳۰ نفر از اهالی از جوانان و
مردان کمتر از ۴۰ سال را هنگامی
که در خواب بودند دستگیر کرد، و به
پایگاه‌های خود منتقل می‌نمایند.
این شیوه وحشیانه مزدوران رژیم
موجی از سفرو استزجارد ر میاں نوده‌ها
رحمتکش روستای گرم بیت علیه رژیم
دشمن جمهوری اسلامی برانگیخت.

از کارگران که خود جزء افراد ی
هستند که باید به جبهه بروند،
می‌گویند: "حتی اگر ارجاعمان هم
بکند، نخواهیم رفت." در ضمن
مدیریت سابق کرده که هرگز از این
نقطه نمی‌گذرد خواهد استعفا
بدهد داد گاهی خواهد نماند.
علاوه بر این کارگران به جبهه
حیرت ناپذیرند.

پارس الکتریک

"پارس اعزام به جبهه شام‌رسته
کس خواهد شد"

روز دوشنبه ۱۶ تیرماه در مسار
جماعت تارخانه پارس الکتریک، امام
جماعت اعزام کرد که سپاه از این
کارخانه نیرو خواسته است و باید در
اولین فرصت این نیروها را در اختیار
سپاه گذاشت. البته تا کون چند
ین بار مساله اعزام و اطلب به جبهه
در کارخانه مطرح شده است. ولی
نیروی قابل توجهی نتوانسته است
جمع کنند. بطوریکه در روز ۱۰
اردیبهشت که قرار بود تعدادی به
جبهه اعزام شوند، بدلیل کم بودن
تعداد، به تعویق افتاد. هم
اکنون نباید است که اگر د اطلب

برنامه آزمایشی

صدای کارگر

رادیوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

برنامه آزمایشی صدای کارگر هر شب در ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه روی موج کوتاه هردیف ۷۰ متر معادل ۴ مگاهرتز بمدت نیم ساعت پخش میگردد. این برنامه در ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح روز بعد تکرار میشود.

ساعت و طول موج صدای کارگر را بخاطر بسپارید!
زمان و طول موج صدای کارگر را به همگان بگوئید و در همه جا بنویسید!

آدرس در خارج از کشور

فرانسه

ALIZADI, BP195
75564 PARIS_Cedex12
France

آلمان

Postfach 650226
1 BERLIN 65
w.Germany

با کمک های مالی خود سازمان را در

امر مبارزه انقلابی یاری رسانید

با تشکر

پیگای گریکار

فدائیت گمیت

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر